

انصراف از طلاق توافقی
(بررسی تحلیلی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ و ۱۳۹۱)
(مقاله علمی-پژوهشی)

علیرضا عالی پناه*
جواد پیری**
فائزه کاوسی***

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۰۱

چکیده

طلاق به عنوان یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی مترتب بر نهاد خانواده، همواره در قالب‌های گوناگون مطرح بوده است. در میان انواع قالب‌های طلاق، طلاق توافقی به دلیل برخورداری از فرایند نسبتاً ساده و کوتاه، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در طلاق توافقی، زوجین در خصوص امور مالی و غیرمالی توافق کرده و با تحصیل گواهی عدم امکان سازش، زمینه متارکه را فراهم می‌سازند. با این حال، ممکن است زوجین پیش یا پس از صدور گواهی، از طلاق منصرف شوند. با توجه به مبتنی به بودن طلاق توافقی، بررسی امکان یا عدم امکان انصراف زوجین از طلاق، پیش یا پس از صدور گواهی، ضروری است. به طور کلی، به نظر می‌رسد در شرایط حقوقی کنونی، چنانچه انصراف از طلاق توافقی پیش از صدور گواهی باشد، انصراف به اراده هر یک از زوجین، زمینه صدور آن را منتفی می‌کند. در صورتی که انصراف از طلاق توافقی پس از صدور گواهی باشد، به نظر می‌رسد: (۱) انصراف زوج، قابلیت اجرایی گواهی را منتفی می‌سازد؛ مگر آنکه زوجه در اجرای صیغه طلاق، دارای وکالت بلاعزل باشد. (۲) انصراف زوج، تأثیری در قابلیت اجرایی گواهی ندارد. (۳) انصراف به اراده مشترک زوجین، به دلیل نقش اصلی اراده زوج در منتفی ساختن قابلیت اجرایی گواهی، بلاموضوع است؛ مگر زوجه در اجرای صیغه طلاق، دارای وکالت بلاعزل باشد که در این صورت می‌توان انصراف با اراده مشترک را دارای مجرا دانست.

کلیدواژگان:

طلاق توافقی، انصراف، گواهی عدم امکان سازش، حکم طلاق.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

alipanah_a@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

Javadpiri020@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی حقوق دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

kavosifaeze@gmail.com

مقدمه

در نهاد خانواده، اگرچه زوجین بدون دورنمای متارکه از یکدیگر وارد زندگی مشترک می‌شوند؛ اما ممکن است وجود برخی از موانع زمینه را برای ناسازگاری آنها فراهم آورد؛ به گونه‌ای که ادامه زندگی در کنار یکدیگر میسر نباشد. در سال‌های اخیر این مسئله بسیار محرز بوده و روز به روز مشکل طلاق بیشتر گریبان زندگی مشترک را گرفته است؛ به طوری که آمارها حاکی از کاهش میزان ازدواج‌ها و افزایش تعداد طلاق‌ها است. بر همین اساس، از مباحث بسیار مهم در حقوق خانواده، نهاد باستانی طلاق است که همواره در قالب‌های گوناگون مطرح بوده است. یکی از مهم‌ترین قالب‌ها، طلاق توافقی است که بنا به نظر برخی از حقوق‌دانان، سابقه‌ای در فقه ندارد^۱ و قانون‌گذار آن را با هدف قضا‌دایی و جلوگیری از اطاله دادرسی، در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ پیش‌بینی کرده است.^۲ این امور سبب شده است که بخش وسیعی از طلاق‌ها از طریق طلاق توافقی صورت پذیرد. بر این اساس، مذاقه در احکام طلاق توافقی و تبیین تمامی ابعاد آن ضروری و مهم به نظر می‌رسد. یکی از مهم‌ترین ابعاد حوزه طلاق توافقی، انصراف از آن است. انصراف از طلاق توافقی ممکن است پیش یا پس از صدور گواهی عدم امکان سازش باشد و همچنین ممکن است شخص انصراف‌دهنده از طلاق توافقی، زوج، زوجه یا زوجین باشند. بنابراین لازم است تمامی شقوق مذکور مورد بررسی قرار گیرد تا احکام آنها شناسایی شود و در صورت لزوم اصلاحاتی در قانون به عمل آید. به طور کلی به نظر می‌رسد، با تمسک به مفاد و روح قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، می‌توان تحت شرایطی انصراف زوجین از طلاق توافقی را امکان‌پذیر و مانعی برای اجرای صیغه طلاق از سوی دفترخانه رسمی ازدواج و طلاق دانست. در این نوشتار مسئله انصراف از طلاق توافقی را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار خواهیم داد. انصراف از طلاق توافقی به اراده زوجین یا اراده یکی از آن دو، بنا به

۱. مهرپور، حسین. «طلاق با توافق زوجین در حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۱، صص ۲۷-۲۸.

۲. دفتر مطالعات حقوقی مجلس شورای اسلامی، اظهار نظر کارشناسی درباره: «لایحه حمایت خانواده»، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دوره ۸، سال ۱، شماره مسلسل: ۹۴۶۳، ص ۱.

اینکه تقاضای انصراف در کدام مرحله باشد، مستلزم آثار متفاوتی خواهد بود؛ بنابراین لازم است انصراف قبل از صدور گواهی عدم امکان سازش و پس از آن، به طور مجزا مورد مذاقه قرار گیرد.

۱. انصراف از طلاق توافقی پیش از صدور گواهی عدم امکان سازش

علی‌رغم تمایل و تقاضای زوجین مبنی بر طلاق توافقی، ممکن است پیش از آنکه گواهی عدم امکان سازش صادر شود، احد از زوجین یا هر دوی آنها بالاتفاق از تقاضای خود منصرف شوند. هر چند قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ در این خصوص مقررۀ صریحی ندارد، با توجه به اینکه در طلاق توافقی به موجب ماده هشت قانون مذکور، گواهی عدم امکان سازش با اِبتنای بر توافق صادر می‌شود، به نظر می‌رسد انصراف هر یک از زوجین زمینۀ صدور گواهی مزبور را منتفی می‌سازد. به صرف اینکه قانون‌گذار در صدر ماده‌ی مارالذکر در فرض توافق زوجین برای طلاق، به زوج یا زوجه اختیار تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش داده است، نباید تصور شود هر یک از زوجین در هر صورت می‌توانند صدور گواهی عدم امکان سازش را تقاضا نمایند؛ بلکه باید حکم قانون‌گذار را ناظر به فرض تداوم توافق زوجین تا زمان صدور گواهی مذکور دانست.

ممکن است گفته شود که توافق انجام شده فی‌مابین زوجین حتی قبل از صدور گواهی عدم امکان سازش، در قالب عقد صلح قرار می‌گیرد و در نتیجه به دلیل الزام‌آور بودن آن، هیچ‌یک از زوجین بدون تراضی طرف مقابل حق بر هم زدن آن را ندارد. با این حال، به نظر می‌رسد چنین تحلیلی محل ایراد باشد؛ زیرا اولاً توافق انجام شده نه به عنوان یک توافق و قرارداد نهایی و اصیل؛ بلکه یک توافق و قرارداد آلی و فرعی است و اعتبار آن منوط به نهایی شدن طلاق می‌باشد. ثانیاً در تحلیل مسائل حقوقی، می‌بایست حوزه و ماهیت نهادی که تفسیر در چارچوب آن انجام می‌شود، مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس، به نظر می‌رسد حکم به الزام‌آور بودن توافق زوجین با مصالح و اقتضائات نهاد خانواده در تنافی باشد. توضیح بیشتر آنکه حتی اگر توافق صورت گرفته در قالب قرارداد تحلیل شود، هر چند اصل و قاعدۀ اولیه، لزوم است؛ به نظر می‌رسد با توجه به مصلحت کامنه توافقات انجام‌گرفته در راستای طلاق توافقی، پذیرش و اعمال اصل لزوم بر توافقات زوجین محل تأمل باشد؛ زیرا لزوم و جواز جنبۀ تأسیسی ندارند و جزء طبیعت عقد نیستند؛ بلکه مبتنی بر مصالح نوعی و مصالح شخصی اشخاص دخیل در یک عمل

حقوقی هستند.^۱ چنین تحلیلی با غایت مورد نظر قانون گذار از پیش بینی نهاد داوری در قانون ۱۳۵۳ و مشاوره در قانون ۱۳۹۱ که همانا تحکیم نهاد خانواده و جلوگیری از تحقق متارکه است، همخوانی بیشتری دارد.

برخلاف قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ که هیچ حکمی در خصوص جواز یا عدم جواز انصراف از طلاق توافقی پیش از صدور گواهی عدم امکان سازش نداشت، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مسئله متنازع فیه را در ماده ۲۵ مورد توجه قرار داده است.^۲ مذاقه در ماده مذکور چند نکته اساسی را تبیین می کند؛ نخست آنکه تا زمانی که تقاضای طلاق توافقی در مراکز مشاوره مطرح است، متقاضی طلاق توافقی می تواند از تقاضای خود انصراف دهد. دوم آنکه با انصراف متقاضی طلاق، دعوا خاتمه می یابد. در این صورت به موجب ماده هشت آیین نامه اجرایی قانون مذکور و تبصره آن، چنانچه موضوع طلاق توافقی از طریق دادگاه به مرکز مشاوره خانواده ارجاع شده باشد، مرکز مذکور با تنظیم صورت جلسه، پرونده را به منظور اتخاذ تصمیم نهایی به دادگاه ارسال می کند؛ اما چنانچه زوجین مستقیماً به مرکز مشاوره خانواده مراجعه کرده باشند، با حصول انصراف از طلاق توافقی، مرکز مذکور با تنظیم صورت جلسه، پرونده را بایگانی خواهد کرد؛ بنابراین در این فرض ارجاع پرونده به دادگاه منتفی خواهد بود.

با توجه به اینکه متقاضی طلاق توافقی زوج و زوجه هستند، با انصراف هر یک از آنها، صدور گواهی عدم امکان سازش بلاموضوع می گردد. در همین راستا برخی از حقوق دانان با استناد عبارت «عدم انصراف متقاضی» در ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، معتقدند هر یک از زوجین می توانند با اراده یک جانبه، قرارداد و توافق صورت گرفته را فسخ کند؛^۳ بنابراین تحلیل توافقات زوجین در مرحله قبل از صدور گواهی عدم امکان سازش در قالب عقد صلح

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **تأثیر اراده در حقوق مدنی**، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۷، صص ۱۱۵-۱۱۶.

۲. ماده ۲۵: «در صورتی که زوجین متقاضی طلاق توافقی باشند، دادگاه باید موضوع را به مرکز مشاوره خانواده ارجاع دهد. در این موارد طرفین می توانند تقاضای طلاق توافقی را از ابتداء در مراکز مذکور مطرح کنند. در صورت عدم انصراف متقاضی از طلاق، مرکز مشاوره خانواده موضوع را با مشخص کردن موارد توافق جهت اتخاذ تصمیم نهایی به دادگاه منعکس می کند.»

۳. صفایی، سید حسن و اسدالله امامی، **مختصر حقوق خانواده**، تهران: نشر میزان، چاپ سی و ششم، ۱۳۹۲، ص ۲۴۳.

صحیح نخواهد بود؛ زیرا عقد صلح به موجب ماده ۷۶۰ قانون مدنی، لازم است؛ اما بنا به مفاد و مفهوم ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده، صرف توافق زوجین بر طلاق، الزامی مبنی بر بقای آنها بر توافق انجام شده ایجاد نمی‌کند.

نکته حائز اهمیت آنکه به نظر می‌رسد انصراف از طلاق توافقی محدود به فرض در جریان بودن تقاضای طلاق در مرکز مشاوره نیست؛ بلکه تا زمانی که دادگاه اقدام به صدور گواهی عدم امکان سازش نکرده باشد، اعلام انصراف بلااشکال خواهد بود. در واقع طرفین می‌توانند تا اولین جلسه دادرسی یا قبل از اتمام دادرسی و همچنین پس از ختم مذاکرات با رعایت شرایط قانونی، از تقاضای خود منصرف شوند که در این صورت با توجه به ملاک بندهای ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی، حسب مورد، قرار لازم صادر می‌شود؛ به ویژه اینکه طلاق توافقی مبتنی بر توافق زوجین است و در نتیجه چنانچه چنین توافقی شکل نگیرد یا اینکه استمرار نیابد، محمل صدور گواهی عدم امکان سازش تهی خواهد شد. این نظر با انصاف، اصول حاکم بر دادرسی، اصول اساسی ناظر بر خانواده همانند اصل دهم و بیست و یکم قانون اساسی که در راستای تحکیم خانواده و حفظ استحکام آن وضع شده‌اند، نیز ملائم است؛ بنابراین به نظر می‌رسد تا زمانی که گواهی عدم امکان سازش صادر نشده است؛ اعم از اینکه تقاضا در مراکز مشاوره باشد یا موضوع به دلیل عدم سازش زوجین، به دادگاه منعکس شده باشد، امکان انصراف از آن وجود دارد؛ در نتیجه اراده هر یک از زوجین مبنی بر انصراف، زمینه صدور گواهی عدم امکان سازش را که در پی تقاضای طلاق توافقی مطرح می‌شود، منتفی می‌سازد.

۲. انصراف از طلاق توافقی پس از صدور گواهی عدم امکان سازش

جواز یا عدم جواز انصراف از طلاق توافقی پس از صدور گواهی عدم امکان سازش را می‌توان با توجه به متقاضی انصراف، در دو بخش کلی مورد بررسی قرار داد. ابتدا انصراف به اراده احد از زوجین را بررسی می‌کنیم و در ادامه به مسئله انصراف به اراده مشترک زوجین می‌پردازیم.

۲.۱. انصراف به اراده احد زوجین

جواز یا عدم جواز انصراف یک جانبه از طلاق توافقی پس از صدور گواهی عدم امکان سازش مورد توجه و تحلیل برخی از حقوق دانان قرار گرفته است. یکی از حقوق دانان توافق زوجین را در

قالب عقد صلح توجیه کرده و معتقد است پس از صدور گواهی عدم امکان سازش، عدول یک جانبه از توافق، واجد اثر نخواهد بود.^۱ برخی دیگر نیز با توجه به جواز مراجعه هر یک از زوجین به دفترخانه رسمی ازدواج و طلاق در راستای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن بر مبنای گواهی صادر شده، پذیرش اعلام یک جانبه انصراف را دشوار دانسته‌اند.^۲ در مقابل، یکی دیگر از حقوق دانان عدم امکان انصراف از طلاق توافقی را بر خلاف اصول حاکم بر دادرسی و رعایت اصل استحکام خانواده می‌دانند.^۳ در تقویت این دیدگاه می‌توان افزود که منع زوجین از انصراف یک جانبه بر خلاف حقوق شخصیت است؛ زیرا طلاق تصرف در احوال شخصیه است و این موارد اصولاً باید جایز و قابل عدول باشد. بر این مبنا هر یک از زوجین از این حق برخوردار خواهند بود که حتی پس از صدور گواهی عدم امکان سازش تا زمانی که صیغه طلاق جاری نشده است، از اجرای آن ممانعت کنند؛ زیرا با انصراف یکی از آنها، طلاق توافقی مبنای خود را از دست می‌دهد و گواهی صادرشده موقعیت اجرایی پیدا نمی‌کند. به ویژه اینکه الزام زوجین به پایبندی به توافق صورت گرفته، با حکمت ارجاع امر به داوری و مشاوره در تنافی است. تشبیه توافق طرفین و گواهی عدم امکان سازش به گزارش اصلاحی و عقد صلح و در نتیجه اعتقاد به الزام آور بودن آن نیز وجهی ندارد؛ زیرا در فرایند گزارش اصلاحی که غالباً در امور مالی صادر می‌شود، دادگاه به دنبال خاتمه دادن به موضوع است؛ این در حالی است که در امر نکاح، هدف ایجاد صلح و سازش و فراهم سازی زمینه ابقای زندگی مشترک می‌باشد. همچنین به نظر می‌رسد گواهی عدم امکان سازش با عقد صلح نیز تفاوت دارد؛ زیرا اولاً گواهی عدم امکان سازش توسط دادگاه صادر می‌شود و مبتنی بر توافقاتی است که در مراکز مشاوره خانواده، میان زوجین صورت پذیرفته است؛ این در حالی است که در عقد صلح صرفاً اراده طرفین توافق واجد اثر است و دادگاه اقدام به صدور گواهی نمی‌کند. ثانیاً عقد صلح پس از تحقق با گذشت زمان از اعتبار ساقط نمی‌شود؛ در حالی که مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش محدود به سه ماه است. بر این اساس به نظر می‌رسد علی القاعده بقای توافق زوجین تا زمان اجرای صیغه طلاق ضروری است؛ در غیر این

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *دانشنامه حقوقی*، جلد ۳، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم، صص ۱۷۶-۱۷۷.

۲. صفایی، سید حسن و امامی، اسدالله، پیشین، ص ۲۴۴.

۳. روشن، محمد، *حقوق خانواده*، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۳، صص ۲۹۵-۲۹۶.

صورت، نمی‌توان طلاق را مبتنی بر توافق دانست. با وجود این، مذاقه در مواد قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ و ۱۳۹۱، حاکی از تفاوت دیدگاه قانون‌گذار در خصوص جواز یا عدم جواز رجوع احد زوجین از طلاق توافقی پس از صدور گواهی عدم امکان سازش است؛

۲.۱.۱. انصراف به اراده زوج

مذاقه در مفاد قانون مصوب ۱۳۵۳ حاکی از آن است که اراده یک جانبه زوج مبنی بر انصراف از طلاق توافقی پس از صدور گواهی عدم امکان سازش واجد اثر نیست؛ توضیح بیشتر آنکه به موجب ماده ۸ و ۱۰ قانون مذکور، اجرای صیغه طلاق پس از صدور گواهی عدم امکان سازش صورت می‌گرفت و دفتر طلاق، پس از دریافت گواهی مذکور، اقدام به اجرای صیغه طلاق و ثبت آن می‌نمود. اطلاق ماده حاکی از آن بود که دفتر طلاق با دریافت گواهی عدم امکان سازش، صیغه طلاق را جاری می‌ساخت؛ خواه اراده طرف مقابل مبنی بر طلاق توافقی استمرار داشته باشد و خواه از اجرای صیغه طلاق منصرف شده باشد. این مسئله با صراحت بیشتری در ماده ۲۱ مورد اشاره قرار گرفته بود. به موجب ماده مذکور دفتر طلاق با دریافت گواهی عدم امکان سازش از ناحیه هر یک از زوجین و اخطار به شخص غایب برای حضور در مهلت یک ماهه، صیغه طلاق را جاری می‌ساخت. بر این اساس، چنانچه زوجه در مهلت مقرر برای اجرای صیغه طلاق به دفتر طلاق مراجعه می‌کرد، اجرای صیغه طلاق علی‌رغم عدم حضور زوج بنا به هر دلیل، اعم از انصراف از طلاق توافقی، میسر بود. با این حال، به نظر می‌رسد قانون مصوب ۱۳۹۱ رویه متفاوتی نسبت به قانون سابق اتخاذ کرده و انصراف زوج از طلاق توافقی را به رسمیت شناخته و با تحقق آن، گواهی عدم امکان سازش را بلااثر دانسته است.

پیش از پرداختن به این مهم، لازم است به دو مفهوم اساسی حکم طلاق^۱ و گواهی عدم امکان سازش^۱ که در قانون اخیر به کار رفته است، توجه شود. با توجه به تفاوت لغوی و

۱. حکم در لغت به معنای «فرمان و دستور» است (دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، جلد ۶، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۸۰۴۱). در اصطلاح حقوقی تأسیس انشای الزام به چیزی (مال، عقد، ایقاع) یا انشای اثبات امری است (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *دایره المعارف علوم اسلامی*، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۵۴۴). در واقع رأی دادگاه اگر راجع به ماهیت دعوا باشد و آن را بعضاً یا کلاً قطع کند، حکم نامیده می‌شود (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمیم‌ولوژی حقوق*، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۲، ص ۲۴۳؛ شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی: دوره پیشرفته*، جلد ۲، تهران: ←

اصطلاحی حکم و گواهی، باید میان حکم طلاق و گواهی عدم امکان سازش قائل به تفکیک شد. در حکم طلاق، دادگاه ناگزیر از ورود به دعوا و رسیدگی ماهوی و احراز حقانیت خواهان است؛ این در حالی است که در گواهی عدم امکان سازش، تصمیم دادگاه صرفاً در راستای تأیید و شناسایی حق خواهان یا خواهان‌ها در مراجعه به دفترخانه رسمی ازدواج و طلاق و اجرای صیغه طلاق می‌باشد. قانون‌گذار در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، به موجب ماده ۲۶، میان حکم طلاق و گواهی عدم امکان سازش تفکیک کرده است. به موجب ماده مذکور دادگاه در طلاق توافقی یا طلاق به درخواست زوج، اقدام به صدور گواهی عدم امکان سازش می‌نماید و چنانچه طلاق به درخواست زوجه باشد، حسب مورد به صدور حکم الزام زوج به طلاق یا احراز شرایط وکالت در طلاق مبادرت می‌کند و در صورت احراز شرایط طلاق، اقدام به صدور حکم طلاق می‌نماید. علت چنین تفکیکی این است که در طلاق توافقی یا طلاق به درخواست زوج، نیازی به احراز موضوع یا مسئله خاصی نیست^۲ و دادگاه بیشتر به عنوان میانجی و مصلح اقدام می‌کند؛ اما در طلاق به درخواست زوجه، علاوه بر سعی در اصلاح و سازش، دادگاه دربارهٔ تحقق سببی که زن به استناد آن متقاضی طلاق است، تحقیق و رسیدگی می‌کند و در صورت احراز، زوج را مجبور به طلاق می‌سازد.^۳

با در نظر گرفتن مقدمات فوق، در ارتباط با انصراف زوج از طلاق توافقی، به نظر می‌رسد حکم مندرج در ماده ۳۳ قانون حمایت خانواده،^۴ منصرف به قسمت اخیر ماده ۲۶ همان قانون بوده و در خصوص شق اول آن مجرا نیست و وجود مقرر ماده ۲۶ قانون مذکور، مانع از اتخاذ ملاک از مفاد ماده ۳۳ است؛ زیرا ماده ۳۳ قانون مذکور که عدم حضور زوج در دفترخانه را مانع

→ انتشارات دراک، چاپ سی و پنجم، ۱۳۹۴، ص ۲۰۱؛ بنابراین حکم طلاق به معنای رأی دادگاه به طلاق بوده که قاطع دعوا نیز می‌باشد.

۱. گواهی در لغت به معنای تصدیق است (جعفری لنگرودی، محمد جعفر، پیشین، ۱۳۸۲، ص ۵۸۳)؛ بنابراین گواهی عدم امکان سازش به معنای تصدیق دادگاه مبنی بر عدم امکان ادامه زندگی مشترک می‌باشد
۲. اسدی، لیلی، **نقد قانون و رویه قضایی در اجرای طلاق**، فصلنامه کتاب زنان، ۱۳۸۳، شماره ۲۶، صص ۱۱۳-۱۳۷.

۳. کاتوزیان، ناصر، **دوه مقدمات حقوق مدنی: خانواده**، جلد ۱، تهران: نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۹، ص ۳۴۶.
۴. «... در صورت عدم حضور زوج و عدم اعلام عذر از سوی وی یا امتناع او از اجرای صیغه، صیغه طلاق جاری و ثبت می‌شود و مراتب به زوج ابلاغ می‌گردد. در صورت اعلام عذر از سوی زوج، یک نوبت دیگر به ترتیب مذکور از طرفین دعوت به عمل می‌آید».

از اجرای صیغه طلاق نمی‌داند، ناظر به حکم طلاق است؛ نه گواهی عدم امکان سازش؛ در نتیجه نمی‌توان مفاد ماده ۳۳ را نسبت به فرض طلاق توافقی و عدم حضور زوج در دفترخانه رسمی ازدواج و طلاق پس از صدور گواهی عدم امکان سازش سرایت داد؛ بر این اساس، باید گفت عدم حضور زوج در دفترخانه که می‌تواند مبین انصراف او از طلاق باشد، مانع از اجرای صیغه طلاق خواهد بود. در تقویت این استدلال می‌توان مقررۀ مواد ۳۵ و ۳۶ همان قانون را مستمسک قرار داد. قانون‌گذار در ماده ۳۵ صرفاً به عدم حضور زوج در دفترخانه رسمی ازدواج و طلاق اشاره کرده و در خصوص عدم حضور زوج موضع سکوت اتخاذ کرده است. سکوت قانون‌گذار مفید این نظر است که اجرای صیغه طلاق صرفاً در فرض عدم حضور زوج در دفترخانه، مجاز است و اگر زوج در دفترخانه حاضر نشود، نمی‌توان صیغه طلاق را اجرا و ثبت کرد؛ البته در پاسخ به این استدلال ممکن است گفته شود که ماده مذکور صرفاً در مقام بیان حکم نسبت به عدم حضور زوج در دفترخانه است و اساساً حکم مربوط به عدم حضور زوج از حیطة ماده مذکور خارج است و در نتیجه نمی‌توان سکوت مقنن را قرینه‌ای بر موضوع محل بحث قرار داد. با این حال، حتی اگر چنین تفسیری نیز پذیرفته شود، به اساس بحث خدشه‌ای وارد نمی‌آید؛ زیرا از مفهوم ماده ۳۶ بر می‌آید که اجرای صیغه طلاق در صورت عدم حضور زوج در دفترخانه، صرفاً در فرضی امکان‌پذیر است که زوج در اجرای صیغه طلاق وکالت بلاعزل داشته باشد؛ بنابراین در صورت عدم وجود وکالت بلاعزل، عدم حضور زوج و انصراف او از طلاق، اجرای صیغه طلاق به استناد گواهی صادرشده را منتفی می‌سازد. بنابراین از مفاد و مفهوم مواد مرقوم مشخص می‌گردد با انصراف زوج، گواهی عدم امکان سازش مبنای خود را از دست می‌دهد و قابلیت اجرایی نخواهد داشت؛ مشروط بر اینکه زوج فاقد وکالت بلاعزل در اجرای صیغه طلاق باشد.

اداره حقوقی قوه قضائیه نیز طی نظریه مشورتی توضیحات فوق را پذیرفته و در خصوص تأثیر عدم حضور زوج در دفترخانه رسمی ازدواج و طلاق اینگونه اظهارنظر کرده است:

با توجه به فرض استعلام مبنی بر صدور گواهی عدم امکان سازش پس از درخواست طلاق توافقی از سوی زوجین و متعاقباً عدم حضور زوج در دفترخانه جهت اجرای طلاق، در خصوص تکلیف اجرای گواهی مزبور، دو حالت متصور است: ۱- در صورتی که زوج بنا بر اعلام دادگاه صادرکننده گواهی عدم امکان سازش یا به موجب سند رسمی (از جمله سند نکاحیه رسمی)، در

اجرای صیغه طلاق وکالت بلاعزل داشته باشد، با توجه به ماده ۳۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱، عدم حضور زوج، مانع اجرای صیغه طلاق و ثبت آن نیست. ۲- در صورتی که زوجه فاقد وکالت از سوی زوج جهت اجرای طلاق باشد، با عنایت به مفهوم مخالف ماده قانونی صدرالذکر، نمی‌توان زوج را مجبور به طلاق نمود و به علاوه دادگاه هم نمی‌تواند نماینده به دفترخانه معرفی نماید و در این صورت چنین گواهی عدم امکان سازشی با گذشت مهلت مقرر قانونی، از درجه اعتبار ساقط است.^۱

۲.۱.۲. انصراف به اراده زوج

مطابق آنچه که پیش‌تر بیان شد، مذاقه در مواد ۸، ۱۰ و ۲۱ قانون ۱۳۵۳، حاکی از بی‌اثر بودن اراده یک‌جانبه زوج مبنی بر انصراف از طلاق توافقی پس از صدور گواهی عدم امکان سازش بود. بر خلاف قانون مذکور، قانون‌گذار در قانون مصوب ۱۳۹۱ راجع به جواز یا عدم جواز انصراف زوجه از طلاق توافقی پس از صدور گواهی عدم امکان سازش، حکم صریحی ندارد. با این حال، توجه به سیاق عبارات و مفهوم‌گیری از برخی مواد قانونی می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. توضیح بیشتر آنکه قانون‌گذار در ماده ۳۵ قانون حمایت خانواده، مقرر داشته است: هرگاه زوج در مهلت مقرر به دفتر رسمی ازدواج و طلاق مراجعه و گواهی عدم امکان سازش را تسلیم کند، در صورتی که زوجه ظرف یک هفته در دفترخانه حاضر نشود سردفتر به زوجین اخطار می‌کند برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفترخانه حاضر شوند. در صورت عدم حضور زوجه صیغه طلاق جاری و پس از ثبت به وسیله دفترخانه مراتب به اطلاع زوجه می‌رسد. از ماده مرقوم قابل استنباط است که قانون‌گذار انصراف زوجه از طلاق را پس از صدور گواهی عدم امکان سازش، مانع اجرای صیغه طلاق ندانسته است؛ زیرا ماده مارالذکر مطلق است و به امکان اجرای صیغه طلاق از جانب زوج در فرض عدم حضور زوجه در دفترخانه رسمی ازدواج و طلاق تصریح کرده و از نظر قانون‌گذار علت عدم حضور زوجه فاقد اهمیت است؛ بنابراین باید قائل بر این بود که پس از صدور گواهی عدم امکان سازش در پی تقاضای طلاق به درخواست زوجین، انصراف از جانب زوجه، اثری در اجرای صیغه طلاق نخواهد داشت و زوج می‌تواند با مراجعه به دفترخانه، متقاضی اجرای صیغه طلاق گردد.

۱. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه؛ شماره: ۷/۹۳/۸۰۶-۱۳۹۳/۴/۸، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۱ از: <http://rooznamehrasmi.ir/Laws/Default.asp>.

در تأیید تفکیک ارائه شده می‌توان به نظریه مشورتی اداره حقوق قوه قضائیه اشاره نمود. اداره مزبور در پاسخ به سوالی در قالب «در طلاق توافقی اگر زوج یا زوجه در دفتر ثبت طلاق حاضر نشوند آیا مشمول ماده ۳۴ خواهند شد؟»^۱ به عبارت دیگر آیا زوج یا زوجه می‌تواند بدون حضور یا عدم رضایت طرف دیگر تقاضای ثبت و اجرای مفاد دادنامه را بنماید؟^۲ اینگونه پاسخ داده است که:

... با توجه به ماده ۳۶ قانون یاد شده در طلاق توافقی که منجر به صدور گواهی عدم امکان سازش گردیده،^۳ چنانچه زوج از توافق عدول نماید و نخواهد زوجه را طلاق دهد، نمی‌توان وی را مجبور به طلاق نمود؛^۴ ولی در مورد زوجه که دادخواست با تقاضا و توافق وی با زوج تنظیم گردیده و گواهی صادره نیز در موعد مقرر قانونی تسلیم دفترخانه گردیده، عدم حضور وی تأثیری در اجرای صیغه طلاق ندارد.^۵

همان‌طور که از مفاد نظر مشورتی فوق بر می‌آید، مطابق قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، عدم حضور زوجه در دفترخانه، مانع اجرای صیغه طلاق و ثبت آن نخواهد بود؛ خواه علت عدم حضور او انصراف از طلاق توافقی باشد و خواه غیر آن؛ اما اگر زوج از حضور در دفترخانه امتناع نماید، اجرای صیغه منتفی می‌گردد؛ مگر اینکه زوجه در اجرای صیغه طلاق، وکالت بلاعزل داشته باشد. بنابراین چنانچه پس از صدور گواهی عدم امکان سازش، زوج از اجرای صیغه طلاق منصرف شود، اجرای آن در دفترخانه رسمی ازدواج و طلاق منتفی خواهد بود. این مسئله از مفهوم ماده ۳۶ قانون حمایت خانواده قابل استنباط است؛ زیرا همان‌طور که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت، عدم حضور زوج صرفاً در صورتی مانع اجرای صیغه طلاق نخواهد بود که زوجه در اجرای آن وکالت بلاعزل داشته باشد؛ بنابراین اگر وکالت بلاعزل وجود نداشته باشد، بدون حضور زوج در دفترخانه، نمی‌توان صیغه طلاق را جاری کرد.

مبنای لزوم بلاعزل بودن وکالت در اجرای صیغه طلاق را می‌توان در این دانست که اگر وکالت مطلق باشد، زوج می‌تواند عقد وکالت را به هم بزند و با توجه به اینکه ممکن است پس از اجرای صیغه طلاق مدعی فسخ عقد پیش از اجرای صیغه طلاق شود، مشکلات عملی فراوانی

۱. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه؛ شماره: ۱۳۹۲/۱۵۱۹-۷/۹۲/۱۳-۱۳۹۲/۸/۱۳، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۱ از:

<http://rooznamehrasmi.ir/Laws/Default.asp>.

پدید خواهد آمد؛ بر این اساس، قانون گذار به منظور احتراز از مشکلات احتمالی، بلاعزل بودن وکالت را لازم دانسته است؛ البته به عنوان راه حل عملی، حتی در صورتی که وکالت بلاعزل وجود داشته باشد، زوج می تواند شخصی را به حالت اجتماع ضمیمه زوجه کند تا واجد اثر شدن اراده زوجه منوط به وجود اراده وکیل دیگر باشد. در چنین صورتی، زوجه نمی تواند به صرف استناد به وجود وکالت بلاعزل، به منظور اجرای صیغه طلاق به دفترخانه مراجعه کند و بدین منظور باید رضایت وکیل منضم شده را مبنی بر اجرای صیغه طلاق اخذ کند؛ مگر اینکه وجود وکالت بلاعزل، در قالب سلب حق از موکل در انجام اقداماتی تفسیر شود که اجرای تام وکالت اعطایی را با اشکال رو به رو سازد.

۳. انصراف به اراده مشترک زوجین

همان طور که پیش تر بیان شد، گواهی عدم امکان سازش دارای اعتبار مطلق نبوده؛ بلکه پس از انقضای مهلت معین قانونی، یعنی سه ماه، از اعتبار ساقط خواهد شد. این مهم در ماده ۲۱ قانون مصوب ۱۳۵۳ و ماده ۳۴ قانون مصوب ۱۳۹۱ مورد تصریح واقع شده است. با وجود این، در هیچ یک از قوانین مذکور راجع به اینکه آیا زوجین می توانند با توافق، گواهی عدم امکان سازش را حتی قبل از انقضای مدت سه ماهه از اعتبار ساقط کنند یا خیر، مقرره ای وجود ندارد. این مسئله با توجه به مفاد هر یک از قوانین مصوب ۱۳۵۳ و ۱۳۹۱ تحلیل متفاوتی می طلبد؛ نخست آنکه در چهارچوب قانون ۱۳۵۳، با توجه به اینکه ارائه گواهی عدم امکان سازش به دفترخانه رسمی از جانب هر یک از زوجین امکان پذیر است، انصراف با اراده مشترک اهمیت بیشتری پیدا می کند؛ زیرا در صورت ارائه گواهی عدم امکان سازش به دفترخانه طلاق از جانب هر یک از زوجین، طرف مقابل نمی تواند با عدم حضور در دفترخانه مذکور از اجرای صیغه طلاق ممانعت به عمل آورد؛ در نتیجه، زوال اعتبار گواهی عدم امکان سازش منوط به انقضای مهلت سه ماهه یا انصراف به اراده مشترک زوجین خواهد بود. البته ممکن است گفته شود که گواهی عدم امکان سازش صرفاً با انقضای مهلت سه ماهه از اعتبار ساقط می شود و در نتیجه طرفین نمی توانند در مهلت مذکور، حتی با توافق اعتبار آن را از بین ببرند؛ زیرا قانون گذار به جواز توافق در این خصوص اشاره نکرده و صرفاً به مهلت سه ماهه تصریح کرده است. با وجود این به نظر می رسد اراده مشترک زوجین واجد اثر خواهد بود؛ زیرا اولاً تصریح به مهلت سه ماهه به عنوان

اثبات شیء، جواز تراضی بر زوال اعتبار گواهی در مهلت مذکور را نفی نمی کند. **ثانیاً** با توجه به اینکه گواهی عدم امکان سازش مبتنی بر اراده و تقاضای طرفین است، به نظر می رسد بنا به قواعد عمومی و اصول حاکم بر قراردادها، همان اراده‌ها قادر به بی‌اثر کردن آن باشند. **ثالثاً** چنین تفسیری با اصول و اقتضائات نهاد خانواده همخوانی بیشتری دارد. بر این اساس، به نظر می رسد زوجین می توانند پس از صدور گواهی عدم امکان سازش پیش از انقضای مهلت تعیین شده، با توافق آن را از اعتبار ساقط کنند. بدیهی است که تحقق اراده مشترک به صورت صریح یا ضمنی قابل تصور است.

نکته دیگر در خصوص موضوع متنازع فیه در چارچوب قانون ۱۳۵۳ این است که هر چند از نظر ماهوی، توافق بر زوال اعتبار گواهی عدم امکان سازش و انقضای مهلت سه ماهه که در نتیجه آن نیز گواهی مذکور بلااعتبار می گردد، متفاوت اند؛ به نظر می رسد انقضای مهلت سه ماهه را نیز می توان در قالب اراده مشترک طرفین تحلیل کرد؛ زیرا همان طور که گفته شد، در قلمرو قانون مذکور، پس از صدور گواهی عدم امکان سازش، هر یک از زوجین می توانند با مراجعه به دفترخانه طلاق، خواستار اجرای صیغه طلاق شوند. بر این اساس، آنگاه که در مهلت مذکور هیچ اقدام به این امر نمی کنند، بدین معناست که زوجین به طور ضمنی بر بی اعتبار شدن گواهی مذکور توافق کرده اند؛ البته این توافق ضمنی تا لحظه آخر مهلت سه ماهه به تأخیر می افتد.

دوم آنکه در چارچوب قانون مصوب ۱۳۹۱ نیز بنا به دلایل پیش گفته، جواز توافق اراده زوجین به منظور اسقاط اعتبار گواهی عدم امکان سازش محل تردید نخواهد بود؛ اما با توجه به رویه متفاوت و البته قابل تأمل قانون گذار در خصوص انصراف یک جانبه زوجین از طلاق توافقی پس از صدور گواهی عدم امکان سازش، فرض تحقق انصراف با اراده مشترک زوجین محل نظر خواهد بود؛ توضیح بیشتر آنکه با توجه به توضیحات پیش تر ارائه شده، باید اذعان داشت در انصراف از طلاق توافقی پس از صدور گواهی عدم امکان سازش، اراده زوج نقش مهم تری را ایفا می کند و چنانچه زوج از اجرای صیغه طلاق منصرف شود، گواهی عدم امکان سازش فاقد اثر خواهد گردید؛ بنابراین اساساً نیازی به اراده مشترک در جهت واجد اثر شدن انصراف نیست و صرف اراده زوج کفایت می کند. با این حال، همان طور که گفته شد، اگر زوجه در اجرای صیغه

طلاق دارای وکالت بلاعزل باشد، عدم حضور زوج در دفترخانه رسمی ازدواج و طلاق برای اجرای صیغه طلاق اهمیتی نداشته و نمی‌تواند مانع اجرای آن شود؛ بنابراین، اثر اصلی انصراف به اراده مشترک زوجین در فرضی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که زوجه در اجرای صیغه طلاق وکالت بلاعزل داشته باشد؛ زیرا در این فرض، اگر زوجه نسبت به انصراف از طلاق توافقی رضایت ندهد، اراده زوج مبنی بر انصراف از طلاق توافقی مانع اجرای صیغه طلاق نخواهد بود و چنانچه زوجه موافق بی‌اثر شدن گواهی عدم امکان سازش باشد و وکالت موجود را نادیده بگیرد، زوج همچنان می‌تواند با مراجعه به دفترخانه رسمی ازدواج و طلاق، متقاضی اجرای صیغه طلاق گردد. بنابراین انصراف به اراده مشترک زوجین از طلاق توافقی پس از صدور گواهی عدم امکان سازش در فرض وجود وکالت بلاعزل زوجه در اجرای صیغه طلاق بسیار حائز اهمیت می‌گردد.

نتیجه گیری

طلاق توافقی به دلیل بری بودن از اطالۀ دادرسی، بیشتر از انواع دیگر طلاق ها مورد توجه متقاضیان متارکه قرار گرفته است. با توجه به اهمیت این مسئله، تبیین جوانب آن می تواند در تحلیل آثار حقوقی مترتب بر آن راهگشا باشد. یکی از مهم ترین مباحث ناظر به طلاق توافقی، مسئله انصراف از آن است. با توجه به اینکه طلاق توافقی مبتنی بر توافق زوجین است، امکان دارد زوجین منفرداً یا مشترکاً از تقاضای خود مبنی بر طلاق منصرف شوند. در چنین صورتی، اینکه انصراف در چه بازه زمانی باشد، به موجب مقررات قانونی، احکام متفاوتی بر آن مترتب خواهد شد؛ چنانچه انصراف از طلاق توافقی پیش از صدور گواهی عدم امکان سازش باشد، زمینه صدور گواهی مذکور را از بین می برد. با این حال، اگر انصراف پس از صدور گواهی عدم امکان سازش باشد، هر چند گواهی عدم امکان سازش با ابتدای بر توافق زوجین صورت گرفته است و علی القاعده می بایست با انصراف هر یک از زوجین، گواهی مذکور مبنای خود را از دست بدهد؛ قانون گذار در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ احکام متفاوتی وضع کرده است که به نظر می رسد در برخی شقوق، مغایر با اصل تحکیم و استحکام نهاد خانواده است. چنانچه پس از صدور گواهی عدم امکان سازش، انصراف از طلاق توافقی با اراده مشترک زوجین باشد، هر چند قانون گذار جز در خصوص انقضای مهلت گواهی مذکور در این باب حکمی ندارد؛ به نظر می رسد با توجه به اصول دادرسی و اصول حاکم بر نهاد خانواده، انصراف به اراده مشترک، گواهی صادر شده را بلااعتبار می سازد؛ به ویژه اینکه گواهی مذکور بر مبنای توافق همان دو اراده صادر شده است. در فرضی که انصراف از طلاق توافقی با اراده زوج صورت پذیرد، بنا به مفاد مواد ۳۵ و ۳۶ قانون مصوب ۱۳۹۱، گواهی عدم امکان سازش بی اعتبار می گردد و در نتیجه اجرای صیغه طلاق از سوی زوج امکان پذیر نخواهد بود؛ مگر اینکه به موجب ماده ۳۶ قانون مذکور، زوجه در اجرای صیغه طلاق، وکالت بلاعزل داشته باشد. در فرضی که زوجه پیش از اجرای صیغه طلاق از اجرای گواهی عدم امکان سازش منصرف شود، قانون گذار بر انصراف زوجه اثری مترتب نساخته و آن را مانع اجرای صیغه طلاق ندانسته است. هر چند اتخاذ چنین رویه ای با قاعده «الطلاق بید من اخذ بالساق» و حق زوج بر طلاق ملائم است؛ به نظر می رسد با توجه به اینکه گواهی عدم امکان سازش با ابتدای بر توافق هر دو طرف صادر می گردد و علی القاعده با مخالفت همان

اراده‌ها، خواه مشترکاً و خواه منفرداً، می‌بایست از اعتبار ساقط شود، صحیح نباشد. به ویژه اینکه عدم اعتباربخشی به انصراف یک‌جانبهٔ زوجه با اصل استحکام و مصلحت خانواده نیز در تنافی است. بر این اساس، بهتر آن است که این بخش از قانون حمایت خانواده مورد اصلاح و بازنگری قرار گیرد و انصراف از طلاق توافقی تا پیش از اجرای صیغهٔ طلاق، اعم از اینکه از جانب زوج باشد یا زوجه، گواهی عدم امکان سازش و در نتیجه اجرای صیغهٔ طلاق را منتفی سازد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *تأثیر اراده در حقوق مدنی*، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمیم‌ولوژی حقوق*، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۲.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *دانشنامه حقوقی*، جلد ۳، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *دایرة المعارف علوم اسلامی*، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۵. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، جلد ۶، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۶. روشن، محمد، *حقوق خانواده*، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۷. شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی: دوره پیشرفته*، جلد ۲، تهران: انتشارات دراک، چاپ سی و پنجم، ۱۳۹۴.
۸. صفایی، سید حسن و اسدالله امامی، *مختصر حقوق خانواده*، تهران: نشر میزان، چاپ سی و ششم، ۱۳۹۲.
۹. کاتوزیان، ناصر، *دوه مقدمات حقوق مدنی: خانواده*، جلد ۱، تهران: نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۹.

مقاله

۱۰. اسدی، لیلا، *نقد قانون و رویه قضایی در اجرای طلاق*، فصلنامه کتاب زنان، ۱۳۸۳، شماره ۲۶، صص ۱۱۳-۱۳۷.

۱۱. بالوی، مهدی و مهناز بیات کمیتکی، **طلاق توافقی؛ حوزه خصوصی یا قلمرو عمومی؟**؛ فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۳۸۷، شماره ۱، صص ۵۶۵-۵۸۴.
۱۲. کریمی نیا، محمد مهدی، **طلاق توافقی از گذشته تاکنون با توجه به قوانین**، ماهنامه دادرسی، ۱۳۷۷، شماره ۸، صص ۴۷-۷۲.
۱۳. محبی، مرضیه، **طلاق توافقی؛ ماهیت و آثار**، مجله وکیل مدافع، ۱۳۹۱، شماره ۵، صص ۵۷-۶۵.

پایان نامه

۱۴. مهرپور، حسین. «طلاق با توافق زوجین در حقوق ایران». پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.

سایر منابع

۱۵. دفتر مطالعات حقوقی مجلس شورای اسلامی، اظهارنظر کارشناسی درباره: «لایحه حمایت خانواده»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دوره ۸، سال ۱، شماره مسلسل: ۹۴۶۳.
۱۶. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه؛ شماره: ۷/۹۳/۸۰۶-۱۳۹۳/۴/۸، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۱ از:
<http://rooznamehrasmi.ir/Laws/Default.asp>.
۱۷. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه؛ شماره: ۷/۹۲/۱۵۱۹-۱۳۹۲/۸/۱۳، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۱ از:
<http://rooznamehrasmi.ir/Laws/Default.asp>.